###### 28

###### آزاد.jpeg

###### دانشگاه آزاد اسلامي

###### واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**بررسي نقش رسانه‌هاي جمعي(با تاکيد بر تلويزيون) در الگوپذيري و رفتار کودکان**

**فهرست مطالب**

**عنوان صفحه**

[پيشگفتار: 1](#_Toc152330071)

[مقدمه: 3](#_Toc152330072)

فصل اول : [مباني نظري تحقيق 7](#_Toc152330075)

[بيان مساله واهميت موضوع تحقيق: 8](#_Toc152330076)

[اهداف تحقيق: 12](#_Toc152330077)

[فرضيات تحقيق: 13](#_Toc152330078)

[روش تحقيق: 13](#_Toc152330079)

فصل دوم: [رسانه چيست و چه توانايي‌هايي دارد؟ 14](#_Toc152330081)

[ارتباط جمعي- تاريخچه رسانه‌هاي جمعي 15](#_Toc152330082)

[كاركرد رسانه‌هاي جمعي 21](#_Toc152330083)

[وظيفه رسانه چيست؟ 28](#_Toc152330084)

[قدرت تأثير رسانه‌هاي جمعي 29](#_Toc152330085)

فصل سوم: [جهان جديد تلويزيون 33](#_Toc152330088)

[يك كودك چه وقت استفاده از تلويزيون را شروع مي‌كند؟ 34](#_Toc152330089)

[كودك چه مقدار وقت صرف تلويزيون مي‌كند؟ 41](#_Toc152330090)

[چه كساني بيننده پروپا قرص هستند؟ 46](#_Toc152330091)

[توضيحي درباره ساير رسانه‌ها 49](#_Toc152330092)

[استفاده كودكان از رسانه‌ها در سنين مختلف: 50](#_Toc152330093)

[كودكان چه چيزهايي را مي‌بينند؟ 52](#_Toc152330094)

[برخي معيارهاي پيش بيني سليقه كودكان در مورد تلويزيون 56](#_Toc152330095)

[كودكان درباره تلويزيون چگونه فكر مي‌كنند؟ 60](#_Toc152330096)

[وجهه تلويزيون : 61](#_Toc152330097)

[آيا تلويزيون در نظر کودکان شگفت انگيز است؟ 63](#_Toc152330098)

[بچه‌ها دوست دارند شاهد چه تغييراتي در تلويزيون باشند ؟ 64](#_Toc152330099)

[والدين دوست دارند شاهد چه تغييراتي باشند ؟ 66](#_Toc152330100)

[چرا کودک از تلويزيون استفاده مي‌کند؟ 68](#_Toc152330101)

[عملکرد تلويزيون: 75](#_Toc152330102)

[چرا ما داراي رسانه‌هاي جمعي هستيم ؟ 77](#_Toc152330103)

[نيازهاي ويژه کودکان که تلويزيون آنها را برآورده مي‌کند ، کدامند ؟ 79](#_Toc152330104)

[محتواي خيال: 81](#_Toc152330105)

[محتواي واقعيت 82](#_Toc152330106)

[تلويزيون به عنوان خيال 83](#_Toc152330107)

[آيا تلويزيون مانعي بر سرا راه مسائل زندگي است؟ 85](#_Toc152330108)

[تلويزيون به عنوان واقعيت 86](#_Toc152330109)

[دو جهان 89](#_Toc152330110)

[اهميت خيال 91](#_Toc152330111)

فصل چهارم: [يادگيري از تلويزيون 92](#_Toc152330113)

[چگونگي يادگيري از تلويزيون 93](#_Toc152330114)

[موارد يادگيري اتفاقي 95](#_Toc152330115)

[ميزان هوش و رفتار كودك در ارتباط با برنامه‌هاي تلويزيون 100](#_Toc152330116)

[چه آموزشي را بايد انتظار داشته باشيم؟ 103](#_Toc152330117)

[تلويزيون در مدرسه 108](#_Toc152330118)

[چگونگي اكتساب در كودكان 113](#_Toc152330119)

[مقايسه 115](#_Toc152330120)

فصل پنجم: [تاثيرات جسمي و رواني تلويزيون بر كودكان 119](#_Toc152330123)

[الگوي تأثير- رسانه: 120](#_Toc152330124)

[تلويزيون به كودكان چه مي‌دهد؟ 120](#_Toc152330125)

[الگوي تأثير- كودك 127](#_Toc152330126)

[الگوي تأثير- تعامل 130](#_Toc152330127)

[ديگر ويژگيهاي تعامل 133](#_Toc152330128)

[اثرات فيزيكي تلويزيون بر كودكان 135](#_Toc152330129)

[آيا تلويزيون بر بينايي كودكان اثر بدي دارد؟ 136](#_Toc152330130)

[آيا تلويزيون كودكان را خواب آلود و خسته به مدرسه مي‌فرستد؟ 137](#_Toc152330131)

[اثرات عاطفي تلويزيون بركودكان 138](#_Toc152330132)

[اثرات شناختي تلويزيون بر كودكان 141](#_Toc152330133)

[آيا تلويزيون حاوي تصوير غير دقيقي از زندگي بزرگسالان است؟ 141](#_Toc152330134)

[آيا تلويزيون موجب بزرگسالي زود رس ميشود ؟ 143](#_Toc152330135)

[اثرات رفتاري 145](#_Toc152330136)

[آيا تلويزيون كودكان را منفعل مي‌كند؟ 147](#_Toc152330137)

[آيا خشونت ارائه شده در تلويزيون، آموزش خشونت مي‌دهد؟ 153](#_Toc152330138)

[نتيجه گيري : 157](#_Toc152330139)

[پيامدهاي منفي تلويزيون: 157](#_Toc152330140)

فصل ششم: [اينترنت رسانه جديد قرن بيستم 160](#_Toc152330142)

[اينترنت چيست؟ 162](#_Toc152330143)

[فوايد اينترنت براي كودكان: 163](#_Toc152330144)

[خطرات اينترنت : 164](#_Toc152330145)

[سودجويان از اينترنت براي به دام انداختن كودكان استفاده می‌كنند: 164](#_Toc152330146)

[مطالب نامناسب و غير مجاز در اينترنت : 164](#_Toc152330147)

[ارتكاب جرايم: بمبها، مواد مخدر، دزدي و شخصيتهاي غير واقعي 164](#_Toc152330148)

[تهاجم به حريم خصوصي : 165](#_Toc152330149)

[چگونگي اجتناب و كاهش خطراتي كه كودكان در ايترنت با آن مواجهند: 165](#_Toc152330150)

[نتيجه گيري و آزمون فرضيات: 166](#_Toc152330151)

[منابع مآخذ: 170](#_Toc152330152)

# پيشگفتار:

**تحقيق حاضر با عنوان "بررسي نقش رسانه‌هاي جمعي(با تاکيد بر تلويزيون) در الگوپذيري و رفتار کودکان " سعي دارد، تاثيرات مثبت وپيامدهاي منفي وابستگي کودکان به تلويزيون را مورد بررسي قرار دهد. در راستاي رسيدن به هدف مذکور ابتدا مباني نظري تحقيق در مورد تاريخچه پيدايش رسانه‌هاي گروهي و به خصوص تلويزيون مطرح شده، سپس انواع کارکردهاي تلويزيون، وظايف رسانه به عنوان يک وسيله ارتباطي مورد تحليل و بررسي قرار گرفته است.در فصل دوم تحقيق مقدارزماني که کودکان در شرايط مختلف سني صرف تماشاي تلويزيون ميکنند،آغاز سن تماشاي تلويزيون، دلايل تماشاي تلويزيون توسط کودکان و انتظاراتي که کودکان و والدين آنها از تلويزيون دارند مورد بررسي قرار می‌گيرد. لازم به ذکر است آمار و ارقام مربوط به اين فصل از تحقيق، در مورد جامعه آمريکا و بر اساس اطلاعات کتاب " تلويزيون در زندگي كودكان ما نوشته ويلبر شرام و ديگران، ترجمه محمود حقيقت كاشاني می‌باشد. اميد است با عنايتي که مسئولين تعليم وتربيت ايران اسلامي به الگو گيري کودکان اين مرز و بوم از رسانه‌هاي گروهي و به ويژه رسانه‌هاي تصويري دارند، زمينه انجام اين چنين پژوهشهاي گسترده اي در سيستم آموزش و پرورش کشور مانيز فراهم گردد که اين مهم حمايت همه جانبه مسئولين امر را می‌طلبد.**

**فصل سوم با عنوان جهان جديد تلويزون مسايلي از جمله سن شروع تماشاي تلويزيون و شرايط زماني و انواع موضوعاتي كه مورد توجه كودكان با توجه به شرايط سني و جنسي و همچنين توانايي‌هاي ذهني آنها است مورد بررسي قرار گرفته است.**

**فصل چهارم مربوط به نحوه و ميزان يادگيري كودكان از اين رسانه و عوامل تاثير گذار بر اين مساله است.**

**در فصل پنجم تحقيق، تاثيرات روحي، رواني و جسمي تلويزيون بر كودكان مورد تحليل و بررسي قرار گرفته و در نهايت در فصل ششم به رسانه جديد " اينترنت "و رابطه آن با مسئله يادگيري و الگو پذيري کودکان و انواع خطراتي كه اين رسانه براي كودكان دارد اشاره شده است.**

# مقدمه:

**كودكان ما امروزه در خانه اي پا به دنيا می‌گذارند كه تلويزيون در آن به طور ميانگين هفت تا هشت ساعت در روز روشن است. حالا ديگر بيش از آنكه از مادربزرگها داستان و از پدربزرگها خاطره بشنويم اين تلويزيون است كه داستانهاي مربوط به انسانها، زندگي و ارزشهاي آن را براي ما بيان می‌كند.**

**تلويزيون، امروزه به عنوان عمومي ترين و پرمخاطب ترين رسانه جمعي، سهم عمده اي در آموزش و تأثيرگذاري مستقيم و غير مستقيم بر فرهنگ و روح و روان جمعي دارد.**

**تاثير پذيري اكثريت خاموش جامعه از تلويزيون و برنامه‌هاي ماهواره اي تلويزيوني بسياري از اوقات كشورهاي جهان سوم را با بحران فرهنگي روبرو كرده است.**

**تلويزيون هر روز بر ما تسلط بيشتري می‌يابد و ما بايستي نگران آثار مخرب برنامه‌هاي تلويزيوني براي كودكان و خانواده‌هاي خود باشيم. اين حق ماست و می‌بايستي عكس العمل نشان دهيم. اگر چه تلويزيون في نفسه مطرود نيست اما برنامه‌هاي تلويزيوني در مجموع زيانبار بوده اند. در غرب به نوعي و در شرق به شكلي ديگر خطر برنامه‌هاي مخرب و منحط تلويزيوني احساس مي‌شود.**

**ما بدبختانه فرزندانمان را با تلويزيون تربيت می‌كنيم وقتي می‌خواهيم آنان را ساكت كنيم براي آنان تلويزيون روشن می‌كنيم و يا آنان را به تماشاي برناه‌هايي كه خودمان هم نمي دانيم چه هستند دعوت می‌كنيم. خودمان هم متاسفانه عادت كرده ايم به آنچه پخش می‌شود فقط خيره شويم و نگاه كنيم. بشر با توليد نيازمند به شناخت دنياي اطراف خود است و انتقال فرهنگ و روحيه مدني می‌تواند به صورتي سالم و سازنده انجام گيرد اما به نظر می‌رسد تلويزيون يك مانع اصلي بر سر راه رسيدن به دنياي بهتر است پس ما بايستي از آثار سوء اين جعبه جادويي آگاه شويم و در ارتباط با تلويزيون مسؤوليت خود را بپذيريم.**

**«تلويزيوني كه می‌تواند داراي اثرات كاملاً مخرب باشد می‌تواند به صورت ابزار مفيدي نيز در خدمت تعليم و تربيت درآيد تلويزيون می‌تواند چنين باشد ولي خيلي غير محتمل است كه چنين بشود.»**

**ساخت برنامه‌هاي با ارزش وقت بيشتر و تخصص بالاتري لازم دارد اما افرادي كه بتوانند براي مدت زمان پخش برنامه‌هاي بد بسازند زياد هستند و اين مسأله را حل می‌كند.**

**نمي توان كودكان را براي زماني كه در مقابل صفحه تلويزيون صرف می‌كنند سرزنش كرد و اينكه آنها تقصيري ندارند كه از طريق تلويزيون اطلاعات دگرگون شده را دريافت می‌دارند.**

**جان كندري می‌گويد: قرار نيست كه تلويزيون از بين برود از سويي خيلي كم احتمال دارد كه تلويزيون فضاي مناسبي را براي اجتماعي كردن كودكان ايجاد كند.»**

**در گذشته كودكان ناظر فعاليت بزرگترها بودند و آنچه را خانواده طي يك نسل به آنان آموخته بود الگويي براي نسل آينده می‌شد اما اكنون بايد دريابيم كه كودكان از محيط اطراف خود چه چيزهايي را فرا می‌گيرند؟ عواملي كه محيط اطراف آنان را می‌سازد چه نام دارد؟ و تلويزيون به عنوان يكي از اين عوامل چه می‌كند و چه بايد بكند؟**

**در كتاب تلويزيون خطري براي دموكراسي زير عنوان « چرا بچه‌ها تلويزيون تماشا می‌كنند؟»‌ آمده است كه : انگيزه كودكان از نشستن در پاي تلويزيون با خواست بزرگترها فرق دارد. بزرگترها به اقرار خودشان براي سرگرمي به تماشاي تلويزيون می‌پردازند ولي كودكان ضمن اينكه طالب سرگرمي هستند غالباً براي فهميدن دنياي اطراف به تلويزيون می‌نگرند. بزرگترها معمولاً اهميت كمتري براي تلويزيون قايل هستند و به آن با يك ساده باوري آگاهانه نگاه می‌كنند». تبليغات تلويزيوني روي شخصيت كودكان، باورهاي كودكان و اعمال كودكان به شدت مؤثر می‌افتد. معمولاً‌ كودكان از دو سالگي تماشاي فيلمهاي كارتوني را شروع و تقريباً در 6 سالگي به تماشاي تلويزيون عادت می‌كنند. يعني قبل از اينكه به مدرسه بروند با تلويزيون دوست می‌شوند.**

**به نظر می‌رسد ورود تلويزيون به عنوان معلم به اعتبار معلم و معلمي پايان بخشيده است يا داراي اين چنين قدرتي است زيرا امروزه دانش آموزان در حالي قدم به مدرسه می‌گذارند كه به شدت از تكنيك تلويزيون و اثرات رواني آن متأثر شده اند و در حالي كه مكانيسم تصويري و بصري تلويزيون ريشه در اعماق آنان دوانده است با سيستم كتاب و حروف چاپي وارد يك نزاع دروني و رواني می‌شوند اين درگيري قربانيان زيادي را می‌طلبد. كودكان و دانش آموزان كه نمي توانند و يا نمي خواهند از طريق قرائت آموزش ببينند و يا اصولاً توانايي خواندن را ندارند نوآموزاني كه قادر به درك تسلسل منطقي حتي يك پاراگراف نيستند و نمي توانند افكار خود را برروي چند جمله مكتوب متمركز كنند ديگر قادر نيستند بيش از چند دقيقه به بيان شفاهي معلم ويا يك سخنراني توجه كنند و ارتباط منطقي جملات و مطالب را به خاطر بسپارند و يا حتي فراگيرند.»**

**كودكان بر خلاف بزرگسالان كه با ديگر رسانه‌ها ارتباط دارند بيشتر با تلويزيون در ارتباط هستند. به عقيده پژوهشگران علت علاقه كودكان به تلويزيون اين است كه به آنان امكان می‌دهد تا در ماجراهاي پشت پرده زندگي كودكانه خود رسوخ كنند و دنيا و مردم را بهتر بشناسند. وقتي كودكان ما به دنيا می‌آيند بايد كار دشواري را انجام دهند و آن انطباق پذيري به شكل صحيح روشن می‌شود و برآنان است كه كودكان را براي وظايف آينده آماده كنند اما وقتي ديگر كسي به كودكان كمك نمي كند كه دنيا را بشناسد آنان دست به دامان تلويزيون می‌شوند. در حال حاضر پدران و مادران وقت اينكه دنياي وسيع اطراف را به كودك بياموزند از دست داده اند و از سويي تلويزيوني براي كودكان دست يافتني ترين دريچه به دنياي افراد بالغ است. پس تلويزيون به كودك يك تصوير يا خيال دگرگونه ارائه ميدهد زيرا در تلويزيون بيننده بيشتر از آنچه می‌بيند تأثير می‌پذيرد و اين نگراني در مورد كودكان كه بزرگ می‌شوند وجود دارد.**

#

#  فصل اول

# مباني نظري تحقيق

**تا زماني که چارچوب نظري هر موضوع علمي مورد توجه و بررسي قرار نگيرد، فرايند پيشبرد تدريجي اهداف آن نيز داراي ابهام است. بدين منظور در اين فصل مساله تحقيق و ضرورت و اهميت آن و همچنين اهداف و روش تحقيق و روش گرداوري اطلاعات مطرح خواهد شد.**

# بيان مساله واهميت موضوع تحقيق:

**نتايج نظرسنجي درخصوص بررسي ميزان استفاده كودكان و نوجوانان از رسانه‌ها كه به تازگي در مركز تحقيقات صداوسيماي جمهوري اسلامي ايران انجام شده است، نشان می‌دهد 9/99 درصد كودكان و نوجوانان به تلويزيون دسترسي دارند و اين گروه در شبانه روز به طور متوسط 4 ساعت و 16 دقيقه تلويزيون تماشا می‌كنند.**

**كودكان و نوجوانان از بين شبكه‌هاي تلويزيوني، بيشتر برنامه‌هاي شبكه پنج (44 درصد) و سه سيما (42 درصد) را تماشا می‌كنند. همچنين 52 درصد از اين گروه به راديو دسترسي دارند كه 32 درصد شنوندگان كودك و نوجوان به شبكه پيام گوش می‌دهند.**

**گفتني است 33 درصد كودكان، به ماهواره دسترسي دارند و 82 درصد بينندگان اين گروه برنامه‌هاي ماهواره اي، شبكه‌هاي فارسي زبان را تماشا می‌كنند. 81 درصد كودكان و نوجوانان به دستگاههاي صوتي و تصويري مانند VHS،VCD، DVD، 57درصد به رايانه و 49 درصد به دستگاههايي مانند ميكرو، پلي استيشن، سگا و... دسترسي دارند.**

**شايان ذكر است عمده ترين ژانر مورد علاقه كودكان و نوجوانان در فيلم‌هاي ويدئويي مهيج و ترسناك (21 درصد) است.**

**نظرسنجي اخير دربردارنده آماري نو و در عين حال نگران كننده است. به نظر می‌رسد با رشد چشمگير ضريب نفوذ رسانه‌ها در خانوارهاي ايراني، به شكل قابل توجهي شاهد تغيير الگوي تماشا و سليقه مخاطبين كودك و نوجوان هستيم.**

**نگارنده نيك به ياد دارد كه در سال‌هاي نه چندان دور، پربيننده ترين برنامه‌هاي سيما در حوزه مخاطبان كودك و نوجوان، انيميشن‌هاي دوبعدي و دلنشين عمدتا ژاپني بود و ساعات اوج شنيدن راديو توسط همين گروه مخاطبين، هنگام پخش سلام كوچولو بود و شب بخير كوچولو».اما نظرسنجي اخير بيانگر اين نكته است كه پربيننده ترين شبكه‌هايي راديويي و تلويزيوني نزد كودكان، يعني شبكه‌هايي مثل شبكه سه سيما و راديو پيام، اتفاقا شبكه‌هايي هستند كه نه گروه برنامه سازي خاص كودكان در آن‌ها فعال است و نه هيچ برنامه اي براي اين مخاطبان دارد.**

**نفوذ بلاشك ماهواره‌ها و انواع دستگاه‌هاي نمايش فيلم خانگي به همراه سيل انبوه فيلم‌هاي رنگارنگ در دسترس اين مخاطبان، اندك كورسوي چراغ برنامه‌هاي كودك و نوجوان راديو و تلويزيون ملي را هم به قهقرا می‌برد.** **www.kayhannews.ir**

**لذا انتشار نتايج اين نظرسنجي، به عنوان سندي قابل تأمل درباره ميزان و نحوه استفاده كودكان و نوجوانان از انواع رسانه‌هاي ديداري و شنيداري، می‌تواند محرك و انگيزه خوبي براي نظريه پردازان و تحليل گران رسانه اي باشد تا با بررسي وضعيت كنوني و پس از آن ريشه يابي موضوع بحث، به طرح ساختارهاي مدون و بديع الگوسازي رسانه اي بپردازند. فراموش نكنيم نيمي از اقبال ابررسانه‌ها از جهت توليد برنامه‌هايي همسو و مطابق طبع مخاطبان خود است؛ اما كدام طبع؟! طبع و تمايلي كه رسانه، طي فرآيند حساب شده سليقه سازي، مخاطبان خود را به نحو شايسته و مطلوب سياست‌هاي خود، همسو كرده است. سليقه ذاتي مخاطب او را پاي اين رسانه‌ها نمي كشاند، بلكه سليقه اي تماشاي اين برنامه‌ها را در نهاد مخاطب طلب می‌كند، كه از سوي سليقه سازان رسانه اكتساب نموده است.**

**هم توليدكنندگان برنامه‌هاي تلويزيوني، و هم پدران و مادران خوب می‌دانند كه دسترسي كودك به تلويزيون دشوار نيست. نه در قفسه اي قفل شده نگهداري می‌شود و نه روشن كردن آن براي كودكان دشوار است. متاسفانه اين واقعيت نشان از بي اعتنايي جامعه به كودك و شرايط جسمي و روحي او دارد.**

**در يك جمع بندي كلي می‌شود گفت كه تلويزيون و راديو، ديواره‌هاي حائل ميان جهان كودك و دنياي بزرگسالان را از ميان برداشته است. و اين، از سه راه مرتبط به هم صورت می‌گيرد، نخست آن كه درك و فهم پيام آن‌ها نيازي به راهنما ندارد، دوم اين كه نه عنصر تفكر و نه حالت جسمي خاصي را نظير ساكت و مرتب نشستن در كلاس درس- طلب نمي كنند و بالاخره سوم آن كه هيچ گونه درجه بندي و تقسيم بندي ويژه اي براي تماشاچيان خود در نظر ندارد.**

**در اين بررسي، تلويزيون جايگاه ويژه تري دارد. در كنار و در ارتباط با ديگر رسانه‌هاي ارتباط جمعي الكترونيكي- كه پيوندي با كتاب و ادبيات مكتوب ندارند- تلويزيون شرايطي را پديد آورده است كه به دوران قبل از ظهور ماشين چاپ كاملا شبيه و يكسان می‌باشد. همه ما به لحاظ ساختار جسمي و بيولوژيك يكسان هستيم، قادريم تصاوير را ديده و با شنيدن عبارات و جملات مربوط به آن، با آن پيوند برقرار سازيم. اطلاعات و پيام‌هائي كه تلويزيون ارسال می‌كند، براي همه يكسان است. رمزي و رازي و ماجرائي و پيامي نيست كه در پرده اسرار بماند و يا فقط به سمع و نظر تماشاچي ويژه اي برسد. و ناگفته پيداست، اگر رمز و رازي از زندگي و جهان بزرگ ترها، براي كودكان و نوجوانان وجود نداشته باشد، مقوله اي به نام طفوليت يا كودكي ديگر موضوعيت نخواهد داشت.**

**اما چاره چيست؟! تلويزيون داراي تكنيكي است كه ورود همه كس را به ميدان خود ممكن ساخته است. هيچ تجربه قبلي و هيچ اندوخته علمي و تئوري و فني و مالي و هيچ گونه قدرت و توان و دانش خاصي را طلب نمي كند. هم خردسال شش ساله و هم انسان شصت ساله، شرايط لازم را براي بهره بردن از هر آنچه عرضه می‌شود دارا می‌باشند. حتي زبان تلويزيون و نوع ارائه و بيان مطالب، محدوديتي ارائه نمي كند. در زبان گفتاري می‌توانيم حروف يا كلماتي را طوري زمزمه كنيم كه كودك حاضر در محفل توان فهم آن را نداشته باشد. و يا از عبارات و لغاتي استفاده كنيم كه از حوزه تصور و درك خردسال به دور باشد. اما زبان تلويزيون و صحنه‌هاي آن واضح، گويا و از هرگونه پيچيدگي به دور است. هر آن چه كه بر روي صفحه ظاهر می‌شود در معرض ديد كودك قرار دارد و آن هم با وضوح كامل.**

**هيچ گونه محدوديتي و هيچ گونه انحصاري در دانستن و مطلع شدن، در تلويزيون وجود ندارد؛ و اين مهم ترين تفاوت بارز ميان كودك در سنين كودكي و جهان بزرگسالان، از ميان برداشته شده است. نه تنها كودك در سنين كودكي يا بزرگسالي در جهان بزرگسالان، كه اصولا هر گروه و دسته اي از اجتماع، به دليل برخورداري از نوعي دانش انحصاري، از ديگران متمايز می‌باشند. اگر همه افراد می‌دانستند، آنچه را كه يك وكيل دعاوي می‌داند، ديگر وكيل و وكالت معني نداشت. اگر دانش آموز هر آنچه را كه معلم او می‌داند، می‌دانست. ديگر تفاوتي ميان معلم و شاگرد وجود نداشت؛ همچنين اگر دانش آموزان سال پنجم ابتدائي، هر آنچه را كه دانش آموزان سال دوم يا سوم راهنمائي می‌دانند، بداند، ديگر چه ضرورتي براي درجه بندي كلاس‌هاي درس وجود دارد.**

**با عنايت به اين نكات و رجوعي دوباره به آماري كه در ابتداي اين مطلب ارائه شد، تفكيك گروه‌هاي سني و دسته‌هاي مخاطبان برنامه‌هاي مختلف تلويزيوني، به نحوي كه اين تقسيم بندي از سوي گيرنده پيام هم قابل درك باشد، بيش از هر زمان ديگري ضروري می‌نمايد. از سوي ديگر، اطلاع رساني و آگاه سازي والدين از پيامدهاي استفاده بدون نظارت كودكان و نوجوانان، به موازات طرح‌هاي محدودكننده تماشاگران، به شكل قابل توجهي در خور توجه است. هر چند شاهد پذيرفته شدن اين سيكل آزاردهنده در جامعه هستيم كه استفاده كودكان و نوجوانان از تلويزيون تا تماشاي آخرين برنامه‌هاي شامگاهي ادامه دارد و تا والدين خود را به سمت اتاق‌هاي خود بدرقه نكنند و آنها را نخوابانند، خود به خواب نمي روند.**

**در اينجا باز لزوم هم انديشي ميان اساتيد و نخبگان دانشگاه، سياستگزاران رسانه و منتقدان حوزه كودك و رسانه به شدت احساس می‌شود.**

# اهداف تحقيق:

**مجموعه اهداف هر تحقيق زمينه ساز ايجاد نحوه تفکر به آن موضوع است و مشخص شدن اين اهداف به محقق در جهت تعيين مراحل و شيوه عمل کمک شاياني می‌نمايد بر اين اساس اهداف تحقيق حاضر به شرح زير است:**

1. **بررسي نقش رسانه‌هاي گروهي بر رفتار فردي و اجتماعي کودکان**
2. **بررسي ميزان تاثير رسانه‌ها بالاخص تلويزيون بر يادگيري کودکان**
3. **شناخت پيامدهاي منفي تلويزيون در زندگي کودکان**
4. **ارائه راهکارهاي مطلوب جهت کاهش اثرات وابستگي کودکان به تلويزيون**

# فرضيات تحقيق:

1. **سن و جنس کودکان بر نحوه استفاده و تمايل کودکان به تماشاي تلويزيون موثر است.**
2. **کودکان داراي توانايي ذهني بالاتر، بيش از ساير کودکان به تماشاي تلويزيون علاقه‌مندند.**
3. **كيفيت روابط عاطفي و خانوادگي کودکان بر ميزان استفاده آنها از تلويزيون موثر است.**

# روش تحقيق:

**در اين تحقيق از روش اسنادي و بهره گيري از منابع كتابخانه اي و اينترنتي استفاده شده است.**